

## تبیین پارامترهای نظری در جهت ارتقا هویت مندی نمای بناها در منظر خیابان (مورد مطالعاتی: خیابان ولیعصر تهران)

\*مهسا حاج‌ملکی \*خسرو دانشجو \*\*\*آزاده شاهچراغی  
 \* دانشجوی مقطع دکتری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.  
[mahsa.h.maleki@gmail.com](mailto:mahsa.h.maleki@gmail.com)  
 \*\* استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
[khdaneshjoo@modares.ac.ir](mailto:khdaneshjoo@modares.ac.ir)  
 \*\*\* دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.  
[a.shahcheraghi@gmail.com](mailto:a.shahcheraghi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

### چکیده

شهرها دچار بحران هویت هستند و مفهوم هویت شهری در فرآیند شناخت و ادراک، پدیده‌ای چند بعدی و پیچیده را پیش روی ما قرار می‌دهد. هویت کالبدی شهرها به مقوله‌ای تاثیرگذار در حیات شهر تبدیل شده است. به همین جهت این پژوهش تلاش دارد به منظور ارتقاء هویت و ایجاد هویتی سازگار با محیط فرهنگی امروز، رابطه موجود در حوزه منظر شهری و نمای بناها را ریشه‌یابی کرده و پس از تحلیل مفاهیم کلیدی برای امکان‌سنجی نزدیک شدن به هویت‌مندی در این فضا به تدوین مدلی نظری با معیارهای کاربردی جهت هماهنگی منظر شهری تهران و نمای خیابان بپردازد. این پژوهش پیرو این سوالات که چگونه می‌توان معیارهای هویت‌زا در نمای بناها در منظر خیابان ولیعصر تهران را تشخیص داد؟ و درجه تغییر برای هر پارامتر هویت‌زا در نمای بناها در منظر خیابان چگونه است؟ شکل گرفته است. برای رسیدن به پاسخ ابتدا به تحلیل منابع کتابخانه‌ای و بررسی عوامل موثر در نماهای با هویت پرداخته شد، سپس برای سنجش عوامل بدست آمده به تحلیل بناهای موجود در خیابان ولیعصر پرداخته شد. روش مطالعه موردی کیفی و کمی برای به دست آوردن اطلاعاتی در مورد تغییر شکل نمای بناها در طول زمان انجام شده است. این روش با مطالعه کیفی تصاویر متعدد و پرسشنامه تخصصی به منظور مقایسه و ارائه تعمیم، درک عمیقی از تبیین راهکارهایی برای ارتقا هویت در معماری معاصر تهران ارائه می‌دهد. در نهایت مقایسه یافته‌های کمی و کیفی، صحت یافته‌ها را تایید کرد و نتایج کیفی سطح شباهت و تنوع نماها را نشان داد و میزان تغییر را برای پارامترهای اصلی مطالعه توضیح داد. در انتها با استفاده از مولفه‌های هویت ساز که در مدل نظری این تحقیق به آن اشاره شد راهکارهایی جهت هویت‌بخشی به نماها در منظر شهری پیشنهاد شد.

واژه‌های کلیدی: هویت‌مندی کالبدی، خیابان ولیعصر تهران، نماهای شهری، منظر شهری.

### نوع مقاله: پژوهشی

### ۱- مقدمه و بیان مسئله

انسان داشته باشد. بسیار مهم است که در منظر شهر چه دیده می‌شود و از آن مهم‌تر این که از این تجربه بصری چه دریافت می‌شود؟ تاکنون بحث‌های زیادی در زمینه هویت در

با یک نگاه آرمان‌گرا، نوع معماری و معماری منظر شهری می‌تواند نقش بسزایی در کیفیت زندگی انسان‌ها در شهر و پیشبرد آن‌ها به سمت یک جامعه سالم و مناسب زندگی

نویسنده‌ عهده‌دار مکاتبات: خسرو دانشجو [Khdaneshjoo@modares.ac.ir](mailto:Khdaneshjoo@modares.ac.ir)



معماری و فلسفه صورت گرفته است، ولی آنچه ضروری به نظر می‌رسد پیوند بین حوزه‌های نظری و عملی است و این که بتوان نظرات درزمینه هویت را به صورت کاربردی و آن هم در حوزه منظر شهری ارائه داد. ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان با ملاحظه وضعیت بی‌نظم موجود به لحاظ بصری در منظر شهری و نمای ناهماهنگ شمار زیادی از خیابان‌های شهر تهران درک نمود. محصولی از تقلید سبک‌های مختلف معماری جهان و درعین حال پیروی بی‌پروای بخشی از جامعه حرفه‌ای معماران معاصر و اعمال هرگونه سلیقه و مد توسط کارفرمایان با سلاقی متفاوت بدون داشتن آگاهی کافی از پیامدهای آن در هر نوع بنا با هر نوع عملکردی و درنهایت قرارگیری نماهای غیر همخوان در کنار یکدیگر و ایجاد اغتشاش بصری در منظر شهری بیشتر خیابان‌های تهران، موجب شکل‌گیری منظر شهری ناهماهنگ تهران و بلبشو در کیفیت بصری آن شده است. سوالات این تحقیق عبارتند از:

چگونه می‌توان معیارهای هویت‌زا در نمای بناها در منظر خیابان ولیعصر تهران را تشخیص داد؟ و درجه تغییر برای هر پارامتر هویت‌زا در نمای بناها در منظر خیابان چگونه است؟ فرضیه تحقیق نیز بر مبنای اینکه با مطالعه مورد به مورد نماها در خیابان ولیعصر و استخراج نتایج کمی می‌توان معیارهای هویت‌زا در مرد مطالعاتی ذکر شده و درجه تغییر هر پارامتر را بیان نمود، استوار است. اهداف مشخص این پژوهش به این ترتیب شکل گرفته است:

- ارائه دستورالعمل در جهت ارتقاء هویت در منظر شهری تهران معاصر مبتنی بر اصول پایداری و هویت‌ساز در جهت کاهش ناهماهنگی و بی‌نظمی سیمای خیابان دستیابی به عوامل مؤثر و بارز در شکل‌گیری هویت در منظر شهری به منظور بهره‌گیری در منظر شهری تهران و مورد مطالعاتی ذکر شده در چند دهه اخیر معماری، ساختمان‌ها و عمارت‌های مختلفی با هزینه‌های فراوان ساخته شده است؛ اما یا سازندگان مدعی هویت‌مندی آن هستند یا منتقدانش آن را بی‌هویت می‌دانند. درچنین شرایطی، نبود معیارهای لازم و تعریف اساسی از مفهوم هویت باعث شده که روشنفکران و روشنفکرمان‌بان به طریقی یا داعیه‌دار آن

باشند و یا منتقدش. حتی گاهی نهادهای دولتی نیز در افسون این واژه گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت وسای خود را به دست معماران و طراحانی می‌سپارند که مبلّغ هویت‌مندی سازه‌های خود هستند؛ اما در پایان، اثری از دل خاک سر برمی‌آورد که نه هویت دارد و نه حتی ساختاری معمارانه. در معماری فعلی ایران که (عموماً) برگرفته از نمونه‌های خارجی است، پرداختن به موضوع هویت، در بهترین شرایط، بیهوده است. معماری ایران در دوره‌هایی چنان شکوفا بوده که اکنون می‌توان آن را صاحب هویت دانست. لکن تعریف و معیار این هویت، گم شده است (سلطان زاده، ۱۳۹۶). این چندگانگی و عدم قطعیت، به نوعی باعث آن می‌شود تا با از میان رفتن وحدت رویه، سویه کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت انجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یکه‌گی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). از دوره دوم معماری جمهوری اسامی می‌توان با عنوان دوره شکوفایی معماری پست مدرن ایران نام برد. در این دوره ساختمان‌های مهم و ارزش‌مندی با عملکردهای مختلف، احداث شد. برخلاف این دسته از ساختمان‌ها، تعدادی ساختمان پست مدرن نیز در سنوات اخیر ساخته شد؛ که باید آنها را سبک پست مدرن جهان سومی نامید. ساختمان‌های پست مدرنی که در آنها معماری مدرن و معماری تاریخی با هم تلفیق شده‌اند؛ ولی هویت‌شان متعلق به ایران نیست و بیش‌تر جنبه کی‌برداری بدون تعمق از معماری جهان دیگری به نام جهان اول و یا جهان غرب دارد (قبادیان، ۱۴۰۰)

## ۲- پیشینه تحقیق

### مدل‌های تحلیل نما

محققان در زمینه تحلیل بصری معماری نشان می‌دهند که تنوع عناصر نما و تنوع چیدمان آن‌ها در محیط‌های شهری به تعدد نگرش‌ها منجر شده است (ولز، ۲۰۰۵) (مارتنز،

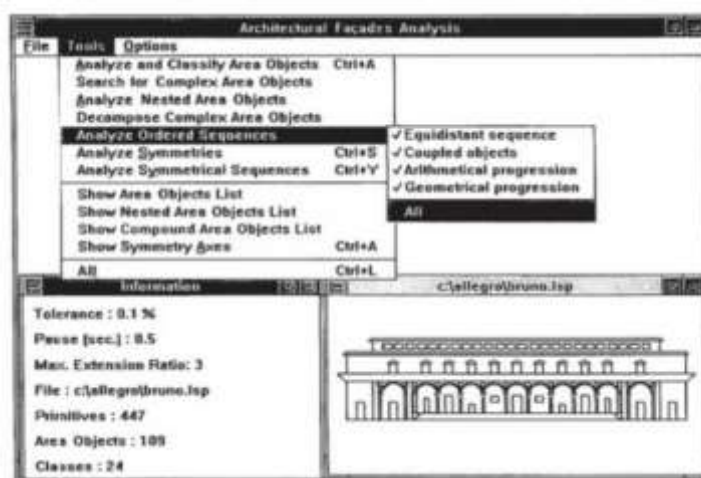


الف) مبنای رسمی، که به نسبت بیان شده در نمای اصلی و انبوه‌سازی آن می‌پردازد.

بخش‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند. این ابزار برای تمایز فاصله‌های مساوی و هندسی نمای ساختمان طراحی شده است. هدف آن کشف تقارن‌هایی است که تصویرنا را با شفاف‌سازی سلسله مراتب ضمنی از طریق تمایز ضخامت ساختار می‌دهند.

(۲۰۰۴) (نیپیتووسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). برای تدوین متغیرهای این مطالعه، مهم‌ترین مدل‌های نسبی مورد بحث قرار خواهند گرفت:

• پلیتری<sup>۳</sup>، ابزاری را برای تحلیل ساختار شکلی نماهای معماری پیشنهاد می‌کند. این روش با شناسایی اشکال ابتدایی شروع می‌شود و سپس ساختار درونی



• الششتاوی<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) تصویر از اجزای و ارتباطات تحلیل ساختمان‌ها را به صورت فیکوراتیو نماهای معماری (منبع: پلیتری، ۲۰۰۴)

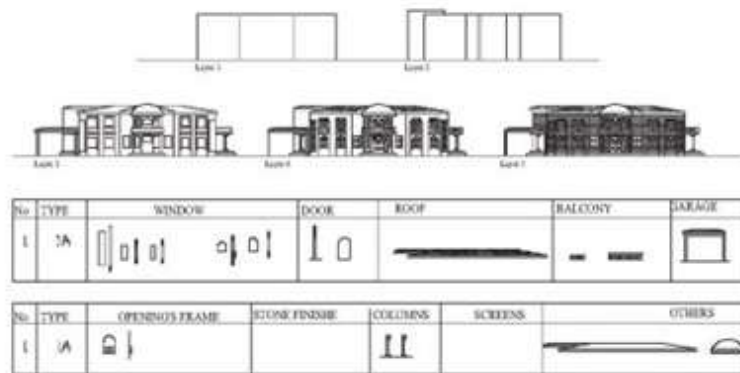
می‌کند که شامل سه مقیاس تجزیه است: جرم‌گیری کلی، جرم‌گیری ثانویه، و جداسازی عناصر مانند بازشوها (درها و پنجره‌ها). این مدل برای تجزیه و تحلیل اجزای منظره خیابان با شکستن نمای ساختمان از نظر انبوه‌سازی و تزئینات فرموله شده است. قابل توجه‌ترین یافته این مطالعه، کارکرد تحلیل رسمی برای تشدید دانش ساختار داخلی نماهای ساختمان است.

• مالهیژ<sup>۵</sup> (۲۰۰۴)، یک روش ماتریس مختلط را برای توصیف سطوح تنوع بین نماها توسعه داد. این روش از دو بعد اصلی تشکیل شده است:

ب) ویژگی‌های سبکی که به عناصر بیان شده در نمای اصلی مربوط می‌شود. ترکیب مبنای رسمی با ویژگی‌های سبکی، روشی برای ثبت تنوع سبک در نمای بناها ایجاد می‌کند این مطالعه نمای بنا را به عناصر قابل توجهی برای سنجش ویژگی‌های بصری آن تقسیم می‌کند. اندازه‌گیری‌ها بر عوامل مختلفی متکی هستند، از جمله: ساختار اساسی، بیان جرم اصلی، ویژگی‌های اساسی، روابط متنی سوراخ‌ها، جزئیات تزئینی، و ویژگی‌های سبکی مانند پنجره‌ها و درها (تصویر ۲)

1. Martens
2. Niezabitowski
3. Pliteri
4. El-Sheshtawy
5. Malhis

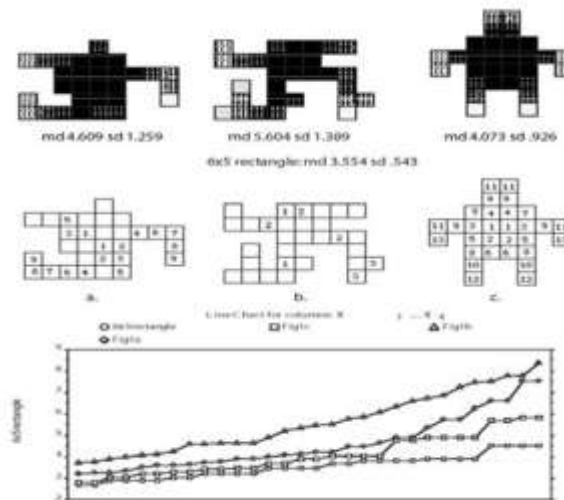




تصویر ۲. مدلی از تجزیه لایه‌های نما (منبع: مالهیژ ۲۰۰۴)

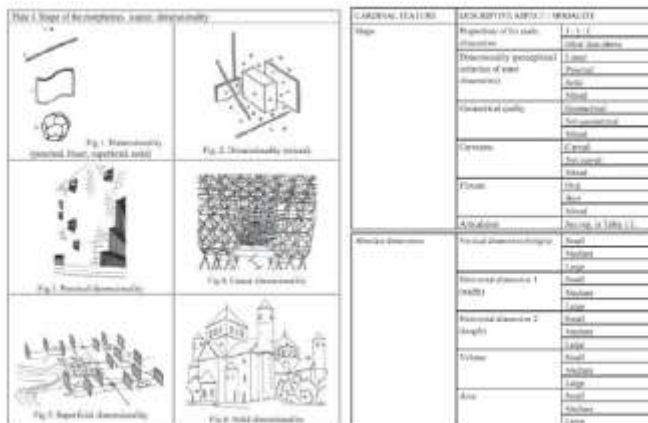
به‌عنوان ساختاری درون شکل و دوم، به‌عنوان سازماندهی عناصر تحمیل‌شده بر آن شکل. بنابراین، فرم یک ساختمان شامل الگوی ادغام در بیش از یک سطح است. بررسی نشان می‌دهد که اتصال ساختمان با خط زمین عامل اصلی در اندازه‌گیری میزان نظم و یکپارچگی نما می‌باشد (تصویر ۳).

• هیلیر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) مدلی از پیکربندی‌های نما را به عنوان بخشی از نظریه نحو فضا پیشنهاد می‌کند تا تحلیل یکپارچه‌سازی اشکال را ارائه دهد. هدف این تئوری بازایی برخی توصیفات مفید از خواص شکل به روشی ثابت است. پیکربندی نماها در دو سطح اندازه‌گیری می‌شود: اول،



تصویر ۳. مدلی از پیکربندی‌های نما به عنوان بخشی از نحو فضا منبع: هیلیر (۲۰۰۷)

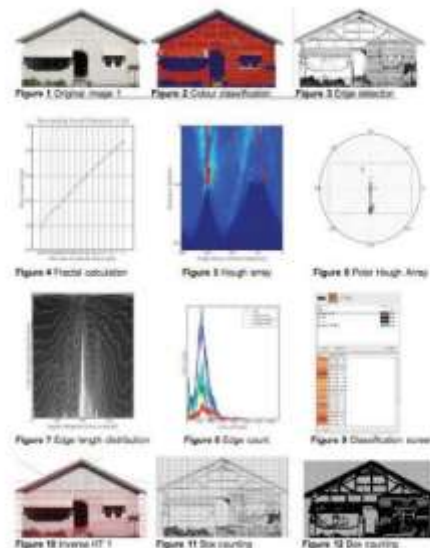
• بیتووسکی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، سیستمی برای کاوش در فرم معماری پیشنهاد می‌کند (تصویر ۵). این مدل در معرض تجزیه و تحلیل بصری و مقایسه قرار می‌گیرد تا عناصر اساسی، ویژگی‌های مشخصه و روابط آنها را آشکار کند. در تحلیل بر اساس اصل ساختار سلسله مراتبی از ابتدایی تا کل شیء معماری. این مطالعه بر دو نوع تحلیل تاکید دارد، اولی مربوط به تحلیل مورفولوژی با در نظر گرفتن عناصر فضایی است و دوم تجزیه و تحلیل سیستم و ویژگی‌های آن به شکلی که به بررسی روابط فضایی بین عناصر از یک سو و بین عناصر و کل از سوی دیگر می‌پردازد. پارامتر اصلی تحلیل‌های ریخت‌شناسی شکل، ابعاد و جهت‌پذیری است در حالی که پارامتر اصلی تحلیل نحوی ویژگی‌های ساختاری پیچیدگی، تمایز و ویژگی‌های توپوگرافی (نظم، فراگیری، ماهیت، پیکربندی و منطقه‌بندی) است.



تصویر ۵. سیستم کاوش در فرم معماری منبع: (نیتووسکی، ۲۰۰۹)

• فیلیپ ثیل<sup>۳</sup> (۱۹۶۱): از نمودارهای حاصل از این روش می‌توان جزئیات را خواند، عوامل را بطور جداگانه بررسی کرد و یا کل فضا را تجربه کرد. بکارگیری آنها ساده بوده و می‌توان آنها را مستقیماً در طراحی مورد استفاده قرار داد. البته این روشها به خاطر استفاده از علائم و نشانه‌ها بیشتر جنبه تخصصی داشته و برای ارائه در مقابل مردم مفید

• تاگر و استوالد<sup>۱</sup> (۲۰۰۷): از الگوریتم‌هایی برای مطالعه ویژگی‌های بصری محیط ساخته شده استفاده می‌کنند. این مطالعه بر روی تجسم رایانه ای برای ارزیابی ویژگی بصری نمای بناها (فقط انواع جدا شده) استوار است. روشی که در این مطالعه بیان شده است، مبنایی اساسی برای مقایسه نما فراهم می‌کند. این شامل یک فرآیند دو مرحله ای است. اولی خوانش بصری عناصر است و دومی الگوهای عناصر را در ارتباط با دیگران در نظر می‌گیرد. نرم افزار، به نام SCAPE از الگوریتم (HT Hough Transform) برای تعیین مرزهای بصری یک تصویر استفاده می‌کند. هدف آن نشان دادن زاویه و فاصله تمام پیکسل‌ها در یک مرز شناسایی شده از یک منبع از پیش تعیین شده است. سپس HT خطوط موجود در تصویر را به نقاط تبدیل می‌کند و یک آرایه به شکل یک نمودار ایجاد می‌کند. این روش باید به گونه‌ای توسعه یابد که سایر ویژگی‌های نمای ساختمان مانند رنگ، مصالح، و تشخیص اشیا را در بر گیرد (تصویر ۴).



تصویر ۴. تجزیه و تحلیل نمای بنا توسط نرم افزار SCAPE با استفاده از (Hough Transform) منبع: (Tucker and Ostwald, 2007)

2. Bitowski  
3. Philip Seil

1. Tucker & Ostwald

## ۲-۲ مفهوم و اصول سازنده هویت کالبدی در معماری

### از دیدگاه نظریه پردازان

• کریس ابل<sup>۲</sup>: او بنا بر دیدگاه جنکز، معماری را مجموعه‌ای از مهارت‌ها و علوم می‌داند که قابل توصیف نبوده و تقلیل‌ناپذیر است اما عملکرد اصلی آن را در شکل دادن به هویت مکان معرفی می‌کند (ابل، ۱۳۸۷، ۲۷۵). او اختلاط فرهنگی را به عنوان پدیده‌ای طبیعی در شکل‌گیری هویت معماری می‌داند و فرایندهای خلاق تعامل فرهنگی را به عنوان مناسب‌ترین تعریف هویت فرهنگی بیان می‌کند (همان، ۲۹۴).

• جفری برودبنت<sup>۳</sup>: او ارزیابی معماری را بر مبنای پنج مؤلفه تناسب فضاها با فعالیت‌ها، تنظیم شرایط محیطی، دلالت فرهنگی، توجه به تبعات اقتصادی و توجه به تأثیرات محیطی مورد توجه قرار می‌دهد (برودبنت، ۱۳۸۸، ۱۴). وی همچنین طراحی را فرایندی خلاق یا نوعی حل مسأله می‌داند که وظیفه آن پاسخگویی به نیازهای انسان می‌باشد (همان، ۱۶۴).

• ایموس راپاپورت<sup>۴</sup>: هدف اصلی طراحی، خلق محیط‌هایی مناسب و مطابق با خواسته‌ها و فعالیتهای استفاده‌کنندگان می‌باشد (راپاپورت، الف ۱۳۹۱، ۱۵). او با تأکید بر نقش فرهنگ در معماری معتقد است که «ارتباط بین فرهنگ و شکل ساخته شده می‌بایست انعطاف‌پذیر باشد تا طراحی تا آنجا که امکان دارد با انتهای باز باشد» (راپاپورت، ۱۳۹۱، ۲۴). او همچنین معتقد است که «با افزایش خوانایی و تشابه بین معانی و پیام‌هایی که از آن طریق منتقل می‌شود، معانی افزایش می‌یابد» (همان، ۹۶).

• کنت فرامپتون<sup>۵</sup>: او فرهنگ محلی را مقوله‌ای نسبتاً تغییرناپذیر می‌داند که بایستی مبتنی بر شرایط زمان تعریف شود (فرامپتون، ۱۳۸۵، ۱۰۸) و در توضیح منطقه‌گرایی انتقادی می‌نویسد: «منطقه‌گرایی انتقادی باید به عنوان نوعی تجربه فرعی درک شود که از طریق آن در عین انتقاد از مدرنیزاسیون، جنبه‌های آزادی‌خواهانه و در حال

نخواهد بود. این نمودارها را می‌توان برحسب مورد ساده و نمادی کرد تا اطلاعات مورد نظر را دربرگیرد. بکارگرفتن چنین زبان مشترکی در برداشت و تحلیل خصوصیات فضاهای شهری، استفاده از نتایج آن را در طراحی ساده‌تر و منطقی‌تر می‌نماید (فیلیپ تیل، ۱۹۶۱: ۵۵).

• گوردن کالن<sup>۱</sup> (۱۳۷۷): گوردن کالن به عنوان اولین صاحب نظر در این زمینه، در کتاب گزیده‌ی منظر شهری، منظر شهری را «هنر تناسبات و یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند» می‌داند. وی بیان می‌کند اگر از من خواسته شود منظرشهری را تعریف کنم، خواهم گفت که یک ساختمان، معماری، اما دو ساختمان، منظرشهری است زیرا به محض اینکه دو ساختمان در کنار هم قرار می‌گیرند هنر منظر شهری عرضه می‌شود (کالن، ۱۳۷۷: ۲۸).

با توجه به موارد فوق، لازم به توجه است که تمام روش‌ها تمایل به اندازه‌گیری درجه شباهت بین نماها و همچنین ارائه تحلیلی از عناصر بصری یک ساختمان از طریق فرآیند تقسیم‌بندی دارند. از نظر روش‌های طراحی، مدل‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول برای تجزیه و تحلیل ویژگی‌های بصری بر برنامه‌های کامپیوتری تکیه می‌کنند و گروه دوم از رویکرد تجزیه تحلیلی برای اندازه‌گیری جنبه‌های بصری نمای ساختمان استفاده می‌کنند. اکثر برنامه‌های نرم‌افزاری برای تجزیه و تحلیل نما به صورت تخصصی جنبه‌های مختلف نما را تحلیل نمی‌کند و این نرم‌افزارها مراحل مقدماتی هستند و نیاز به توسعه بیشتر دارند تا عملی، کافی و قابل استفاده برای تحلیل بصری موارد مختلف باشند. تنوع گسترده عناصر نما، ویژگی‌ها، سبک‌ها و الگوهای چیدمان، مدل‌های جدیدی را برای تدوین متغیرهای مستقل و وابسته ایجاد کند.

2. Chris Abel  
3. Jeffrey Broadbent  
4. Amos Rapoport  
5. Kenneth Frampton

1. Gordon Cullen



محیط ساخته شده را رمزی فرهنگی می‌داند که معرف نهادهای اجتماعی به وجود آورنده آنها بوده و با تغییر ادراک انسان نسبت به عملکرد جامعه، فرم کالبدی محیط نیز تغییر می‌کند (همان، ۲۰۲).

• کوین لینچ<sup>۳</sup>: او هویت را به ساده‌ترین شکل معنی یا «معنی یک محل» تعریف کرده که شخصیتی مشخص و بی نظیر را به مکان می‌بخشد و ارتباط نزدیکی با هویت شخصی پیدا می‌کند. او سازگاری، شفافیت و خوانایی را از اجزاء معنی می‌داند که ارتباط میان شکل و ارزش‌های غیرفضایی را بیان می‌کنند (لینچ، ۱۳۹۰، ۱۷۲).

• کریستین نوربرگ شولتز<sup>۴</sup>: او چستی و کجایی اشیاء را مرتبط با یکدیگر دانسته و هویت آن‌ها را به فرم ویژه حضور آن‌ها تعریف می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷). شولتز هویت را مفهومی یکپارچه و وحدت یافته می‌داند که به صورت هواسپهر/ اتمسفر یا جو مکان بر مخاطب تأثیر می‌گذارد (همان، ۴۳). که به روح مکان شناخته می‌شود و در طول تاریخ و زمان پایدار می‌ماند (همان، ۹۶).

پیشرفت میراث معماری مدرن به هیچ وجه نادیده گرفته نشود...» (همان، ۱۱۸).

• گوردن کالن: کالن با تأکید بر نقش ادراک، خاطرات و تجربیات انسان را به عنوان عاملی مهم در طراحی محیط بیان می‌کند و می‌نویسد «منظره به این خاطر مفید است که خاطرات و تجربیات ما را به یاد می‌آورد، یعنی همان عکس‌العمل‌های احساسی درونی که وقتی ظهور کردند قادراند روند افکار ما را برهم بزنند» (کالن، ۱۳۹۰، ۷).

• چارلز کوره<sup>۱</sup>: چارلز کوره هویت را یک فرایند می‌داند و معتقد است که شکل فرایندی هویت، موجب شکل‌گیری و توسعه آن در طی زمان و بر مبنای حل مشکلات واقعی می‌گردد. از طرفی او معتقد است که این پدیده مفهومی خود آگاهانه نبوده بلکه نیازمند نگاه بیرونی و درک مخاطب می‌باشد (کوره، ۱۹۸۳).

• جان لنگ<sup>۲</sup>: او معتقد است «طراحان باید برای پاسخ به نیازهای هویتی مردم به خواسته‌ها و تمایلات آنها توجه داشته باشند. هرگاه که شرایط عوض شود استدلال‌های جدیدی مورد نیاز است» (لنگ، ۱۳۹۰، ۲۷۲). او همچنین

جدول ۳. جمع بندی نظریه های هویت کالبدی از دیدگاه دانشمندان

| کریس ابل | جفری برودبنت | ایموس راپاپورت | کنت فرامپتون | گوردن کالن | چارلز کوره | جان لنگ | کوین نوربرگ لینچ شولتز |
|----------|--------------|----------------|--------------|------------|------------|---------|------------------------|
|          |              |                |              |            |            |         |                        |
| *        |              |                | *            |            |            |         | *                      |
|          |              |                | *            |            |            |         | *                      |
| *        |              |                | *            |            |            |         | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |
| *        | *            | *              | *            | *          | *          | *       | *                      |

3. Kevin A.Lynch  
4. Christian Norberg-Schulz

1. Charles Correa  
2. Jon Lang



## ۵- روش تحقیق

برای رسیدن به اهداف این پژوهش ابتدا به تحلیل منابع کتابخانه‌ای و بررسی عوامل موثر در نماهای با هویت سپس برای سنجش عوامل بدست آمده به تحلیل بناهای موجود در خیابان ولیعصر تحلیل خواهد شد. روش مطالعه موردی کیفی برای به دست آوردن اطلاعاتی در مورد تغییر شکل نمای بناها در طول زمان انجام شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از این موارد به شیوه‌ای کیفی تحلیل می‌شوند. ایده استفاده از روش مطالعه موردی کیفی عبارت است از:

- نشان دادن درجه تغییر برای هر پارامتر در مدل نظری
- شناسایی ویژگی‌های نمای بناها در هر دوره
- بررسی تفاوت‌های سبکی نمای بنا بین دوره‌ها از نظر هویت معماری

روش‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌های کیفی شامل مشاهده مستقیم و مستندسازی ویژگی‌های بصری بود. روند مستندسازی شامل ویژگی‌های نمای بناها مانند جرم و مفصل‌بندی، بازشوها، جزئیات، مواد و اصول چیدمان نمای بناها بود. بنابراین، ابزار بازدید از محل (فرم بررسی عوامل چک لیست نمای بناها) برای ارائه ابزاری ساختاریافته بصری در طول بازدید از سایت استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها، از نرم‌افزار (SPSS) برای ارائه تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و ارائه جزئیات برای دسترسی عمیق و آماده‌سازی داده‌ها، گزارش‌های تحلیلی استفاده خواهد شد. این پژوهش یک ابزار مقیاس پنج درجه‌ای لیگرت را برای سنجش ادراک پاسخ‌دهندگان در زمینه معماری اختصاص داد. پرسشنامه تحقیق مورد بررسی روایی (اعتبارمحتوا، اعتبار معیار و اعتبار سازه) و پایایی با حجم نمونه ۳۴ پاسخگو قرار گرفت و پایایی اولیه پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ (00) انجام شد که همگنی آیت‌های ابزار را طبق جدول ۱ تعیین نمود.

## جدول ۱. پایایی اولیه پژوهش

| N  | آلفای کرونباخ | آلفای کرونباخ بر اساس موارد استاندارد شده |
|----|---------------|---|
| ۷۲ | ۰.۸۱۱         | ۰.۸۰۸                                     |

داده‌های کمی برای تحقق اهداف تحقیق و پاسخ به سوالات تحقیق به سه روش تجزیه و تحلیل خواهند شد:

- تحلیل توصیفی
- آنالیز واریانس یک طرفه (ANOVA)
- تحلیل عاملی

پاسخ‌دهندگان این پژوهش ۲۷۳ نفر از اعضای مرتبط با رشته معماری در شهر تهران می‌باشند.

## جدول ۲. مشخصات پاسخگویان

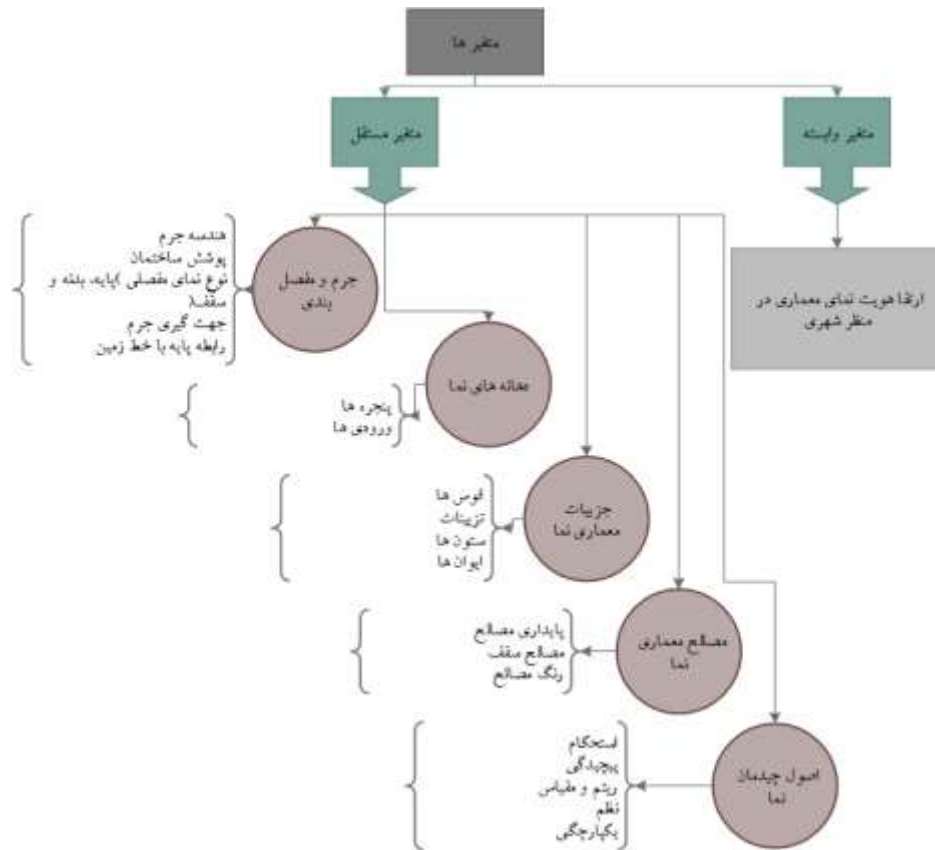
| درصد  | درصد   | فراوانی | درصد                                |
|-------|--------|---------|-------------------------------------|
| تجمعی | معتبر  |         |                                     |
| ۴۴.۷  | ۴۴.۷   | ۱۲۲     | اساتید معماری                       |
| ۷۲.۹  | ۲۸.۲   | ۷۷      | معماران بخش دولتی                   |
| ۸۴.۲  | ۲۷۱۱.۴ | ۳۱      | معماران بخش خصوصی                   |
| ۸۹.۷  | ۵.۵    | ۱۵      | محققین در مورد نما و هویت در معماری |
| ۱۰۰.۰ | ۱۰.۳   | ۲۸      | دانشجویان معماری (دکتری)            |
|       | ۱۰۰    | ۲۷۳     | مجموع                               |
|       |        | ۷       | خطا                                 |
|       |        | ۲۸۰     | مجموع                               |

## ۶- بحث و تحلیل داده‌ها

ارتقا هویت معماری متغیر وابسته اصلی مطالعه است. این مطالعه از ارزیابی ادراکی در میان پاسخ‌دهندگان تحلیل شده است. یک مقیاس پنج درجه‌ای برای اندازه‌گیری ادراک پاسخ‌دهندگان در مورد موضوع هویت در معماری اختصاص داد.







نمودار ۱. مدل نظری مدرنیته نما در مقابل ارتقا هویت معماری

#### ۶-۱- تحلیل توصیفی (ارکان هویت معماری)

از خبرنگاران خواسته شد تا اظهارات مختلفی را در مورد ارکان اصلی هویت معماری در نظر بگیرند. از تحلیل توصیفی برای دسته‌بندی این پرسش‌ها در چهار حوزه فهرست شده استفاده شد که عبارت‌اند از: ریشه هویت ساختمان، عامل تعیین‌کننده تأثیرگذار بر ساخت هویت، تأثیر نیروهای مدرنیته بر هویت معماری و در نهایت ارتقا هویت معماری در خیابان ولیعصر تهران را مشخص کنند و تجزیه و تحلیل توصیفی نتایج زیر را به دست آورد.

• ریشه‌های هویت ساختمان : ۴۰,۴٪ از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که هویت یک ساختمان به شکل آن مربوط می‌شود، ۱۴,۶٪ موافق بودند که مربوط به عملکرد، ۱۳,۶٪ به ویژگی‌های نمادین، ۱۲,۵٪ با توجه به اقلیم، ۶,۱٪ درصد به مکان (مکان) و ۳,۲٪ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که هویت یک ساختمان با ساختار ساختمان مرتبط است. با توجه به نتایج فوق، تمرکز مطالعه بر روی نمای بناها (بخش

بصری فرم ساختمان) با دیدگاه خبرنگاران در مورد مسائل هویت در معماری مطابقت دارد.

• عوامل مؤثر بر ساخت هویت: بر اساس ۳۲/۱ درصد از پاسخگویان، تکنیک ساختمان مؤثرترین عامل در ساخت هویت معماری، فرهنگ جامعه به میزان ۲۶/۱ درصد، نیاز مشتری ۱۷/۹ درصد، شرایط اقلیمی به دنبال آن ۶/۸٪ میراث ساختمان ۶/۸٪، سنت‌ها ۴/۶٪، و مقررات ساختمان ۲/۹٪ در هویت‌مندی ساختمان مؤثر است. این نتایج روشن می‌کند که همه عوامل به طور مثبت در فرآیند ساخت هویت نقش دارند. این بدان معناست که موضوع هویت در معماری یک پدیده پیچیده است که متکی بر بیش از یک عامل است.

• تأثیر مثبت و منفی نیروهای مدرنیته: بیش از نیمی (۵۴/۶٪) از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که نیروهای



|                       |   |
|-----------------------|---|
| توسط نیروهای مدرنیته. |   |
| ۴                     | تکرار سبک های غربی در ۱۲.۸٪ / ۸۷.۲٪<br>فرهنگ محلی |

• ادراک پاسخ‌دهندگان نسبت به ارتقا هویت معماری و عوامل نوسازی نما: برای بررسی این روابط، واریانس یک طرفه انجام شد. بر اساس آمار توصیفی، امتیاز متغیرها شامل حجم نمونه، میانگین، انحراف معیار، خطاهای استاندارد، فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین، حداقل و حداکثر دامنه نظری ارائه شد.

• برداشت پاسخ‌دهندگان نسبت به ارتقا هویت معماری: تکنیک واریانس یک طرفه برای تحلیل اهمیت تغییرات در نظرات پاسخ‌دهندگان انجام شد: میانگین امتیاز کل مجموعه داده‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان ۳/۶۰ با انحراف معیار ۰/۳۹۱ حداقل و حداکثر به ترتیب ۲/۳۳ و ۴/۶۷ بود. پنج مقوله نظرات متفاوتی در مورد ارتقا هویت معماری نشان دادند. آزمون‌های آماری داده‌های زیر را ارائه می‌دهند:

۱- میانگین نظر اساتید معماری از نظر ارتقا هویت معماری ۳/۴۵ با انحراف معیار ۰/۳۲۹ و حداکثر و حداقل به ترتیب ۲/۳۳ و ۴/۳۳ بوده است.

۲- میانگین امتیاز معماران دولتی از نظر ارتقا هویت معماری ۳/۷۱ با انحراف معیار ۰/۴۲۶ بوده است که حداکثر و حداقل آن به ترتیب ۲/۸۳ و ۴/۶۷ بوده است

۳- میانگین امتیاز معماران بخش خصوصی از نظر ارتقا هویت معماری ۳/۸۵ با انحراف معیار ۰/۲۹۴ و حداکثر و حداقل به ترتیب ۳/۳۳ و ۴/۵۰ بوده است.

۴- میانگین امتیاز محققین در مورد ارتقا هویت معماری ۳/۶۱ با انحراف معیار ۰/۳۷۶ و حداکثر و حداقل امتیاز به ترتیب ۳/۰۰ و ۴/۳۳ بود.

۵- میانگین امتیاز دانشجویان دانشگاه از نظر ارتقا هویت معماری ۳/۶۹ با انحراف معیار ۰/۴۰۳ بوده است که حداکثر و حداقل آن به ترتیب ۲/۸۳ و ۴/۳۳ بوده است.

#### ۶-۲ اصلاح ابعاد فاکتورهای نمای بناها

تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واریماکس برای ارزیابی روایی گویه‌ها و خلاصه کردن نوع همبستگی بین عوامل انجام شد. علاوه بر این، تحلیل عاملی برای

مدرنیته تأثیر منفی بر هویت معماری داشتند. در حالی که (۳۱/۸٪) از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که نیروی مدرنیته هویت جدیدی را خواهد ساخت. (۷/۱٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر مثبت مدرنیته را نشان دادند و تنها (۰/۷٪) معتقد بودند که مدرنیته هویت محلی را تخریب می‌کند. در حالی که (۰/۴٪) معتقد بودند که اصلاً تأثیری نداشته است. یافته‌های این بخش، دو جهت تعارض را که از بحث مطالعات قبلی به دست می‌آید را افزایش می‌دهد.

• ارتقا هویت معماری در خیابان ولیعصر: اکثر (۸۹/۷٪) پاسخ‌دهندگان در مورد ارتقا هویت معماری در خیابان ولیعصر تهران اختلاف نظر داشتند. این بدان معناست که هویت معماری در طول زمان تغییر کرده و تغییرات اساسی در ظاهر بصری آن رخ داده است که در بیشتر موارد مربوط به نیروهای مدرنیزاسیون است. همچنین (۹۴/۱٪) از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که هویت معماری یک فرآیند است. یافته‌های این سؤال نظر کوریا<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، هال<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) و کاستلز<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) را تقویت کرد که هویت یک شی نیست، بلکه یک فرآیند پیوسته است. در جهت دیگر، تنها (۲۷/۸٪) از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که هویت معماری ایجاد شده توسط نیروهای مدرنیته و کمتر از یک چهارم (۱۲/۸٪) تکرار سبک نظری غربی در سنت‌های محلی را پذیرفته‌اند. یافته‌های دو سؤال اخیر نیز با ادبیات پیشین در مورد مسئله مدرنیته مطابقت دارد. همانطور که فرومکین (۲۰۰۳) آن را به عنوان توجیه انتخاب‌های اجتماعی در دنیایی با فرصت‌های برابر اخلاقی اساسی توضیح داد.

#### جدول ۴. دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد ارتقا هویت

| ردیف | سوال                                  | معماری در تهران |           |
|------|---------------------------------------|-----------------|-----------|
|      |                                       | پاسخ مثبت       | پاسخ منفی |
| ۱    | شهر تهران دارای ارتقا هویت معماری است | ۱۰.۳٪           | ۸۹.۷٪     |
| ۲    | هویت معماری یک فرآیند است.            | ۹۴.۱٪           | ۵.۹٪      |
| ۳    | هویت معماری ایجاد شده                 | ۲۷.۸٪           | ۷۲.۲٪     |

1. Correa
2. Hall
3. Castles

جهت‌گیری نمای بنا بود و بنابراین، با خط پایه نما، مکان جرم در زمین و پایه، بدنه و بازآرایی سقف افزایش می‌یابد. بنابراین، این بعد جهت نمای بنا نامیده می‌شود. آخرین عامل ترکیب پوشش ساختمان و هندسه جرم بود. موارد مربوط به محل نما، تنوع هندسی و تغییر پوشش ساختمان بر آن غالب بود.

• تحلیل عاملی در بازشوهای نما: نتیجه تحلیل عاملی را در ۹ سوال برای متغیر بازشوهای نمای بناها نشان می‌دهد که بار عاملی متغیر است. طبق (جدول ۶) آزمون کرویت بارتلت معنادار نیست و اندازه‌گیری کایزر-مایر-اولکین (KMO) کفایت نمونه ۰,۶۰۲ بود که نشان می‌دهد تعداد همبستگی متوسط برای تحلیل عاملی وجود دارد.

جدول ۶. آزمون KMO و بارتلت-بازشوهای نما

| نمونه‌گیری |             |                    |
|------------|-------------|--------------------|
| ۰,۶۰۲      | Approx. Chi | آزمون کرویت بارتلت |
| ۷۲,۳۳۵     | Df          |                    |
| ۱۵         | Sig.        |                    |
| ۰,۰۰۰      |             |                    |

پس از ارزیابی آیت‌ها، دو عامل به ترتیب نزولی واریانس کل نامگذاری شدند و توضیح داده شد: (۱) ورودی و (۲) پنجره. یکی از آیت‌های مقیاس اولیه به دلیل بارگذاری زیر ۰/۳۳ از تحلیل دورتر حذف شد.

• تجزیه و تحلیل عاملی در جزئیات معماری نمای بناها: نتیجه تحلیل عاملی برای جزئیات معماری نمای بناها با استفاده از هفت سوال، دو عامل را نشان داد (جدول ۷) آزمون کرویت بارتلت معنی‌دار است و اندازه‌گیری کایزر-مایر-اولکین (KMO) کفایت نمونه ۰,۶۰۲ جدول ۷ نشان می‌دهد تعداد کافی همبستگی بین معنی‌دار برای تحلیل عاملی وجود دارد.

جدول ۷. آزمون KMO و بارتلت جزئیات معماری نمای بناها

| نمونه‌گیری |             |                    |
|------------|-------------|--------------------|
| ۰,۶۰۲      | Approx. Chi | آزمون کرویت بارتلت |
| ۷۹,۹۵۸     | Df          |                    |
| ۲۱         | Sig.        |                    |
| ۰,۰۰۰      |             |                    |

کاهش داده‌ها، توسعه مدل نظری پیشنهادی و در نهایت شناسایی عوامل مهم مدرنیته نمای بناها که بر ارتقا هویت معماری در مدل پیشنهادی تأثیر می‌گذارد، استفاده می‌شود.

• تحلیل عاملی بر جرم و مفصل: به منظور شناسایی ابعاد جرم و مفصل، تحلیل عاملی اکتشافی بر روی ۱۷ متغیر برای گروه‌بندی و رتبه‌بندی عوامل با ویژگی‌های مشابه اجرا شد. (جدول ۵) نتیجه تحلیل عاملی را در ۱۷ مورد برای پارامتر جرم و مفصل نشان می‌دهد. پس از اولین تحلیل، همه عوامل دارای مقادیر ویژه بزرگتر از یک بودند. یکی از آیت‌های مقیاس اولیه به دلیل بارگذاری زیر ۰,۳۳ از تحلیل دورتر حذف شد. همانطور که پالانت (۲۰۰۷) توصیه می‌کند که فاکتورپذیری ماتریس همبستگی باید بیشتر از ۰,۳۳ باشد. آزمون کرویت بارتلت معنی‌دار است و اندازه‌گیری کایزر-مایر-اولکین (KMO) کفایت نمونه نشان می‌دهد تعداد کافی همبستگی بین معنادار برای تحلیل عاملی وجود دارد.

جدول ۵. آزمون KMO و بارتلت-جرم و مفصل

| نمونه‌گیری |             |                    |
|------------|-------------|--------------------|
| ۰,۷۱۲      | Approx. Chi | آزمون کرویت بارتلت |
| ۷۲۸,۲۹۸    | Df          |                    |
| ۱۳۶        | Sig.        |                    |
| ۰,۰۰۰      |             |                    |

اقدام موجود در فاکتورهای استخراج شده در اصل از شش بعد تئوری به نام‌های (۱) هندسه جرم، (۲) پوشش ساختمان، (۳) نوع نماهای مفصلی (پایه، بدنه و سقف)، (۴) جهت نمای بنا، (۵) ارتباط پایه با خط زمین، و (۶) موقعیت انبوه در داخل قطعه زمین تشکیل می‌شود. بر اساس بار عاملی، سه عامل حاصل از فرآیند استخراج بر این اساس نامگذاری می‌شوند. اولین عامل ترکیبی از هندسه جرم، پوشش ساختمان و مفصل‌بندی نما بود. موارد مربوط به دگرگونی پوشش ساختمان، نوسازی، هندسه‌نما، مکان فرم، و پسرقت فرم بر آن غالب بود. این بعد به عنوان هندسه نما نامیده می‌شود. عامل دوم شامل سه مورد مربوط به



#### ۷- پارامترهای نظری پیشنهادی

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که مدل نظری پیشنهادی شامل پنج پارامتر جرم و مفصل، بازشوهای نمای بنا، جزئیات معماری نما، مصالح نما و اصول چیدمان نما است. پارامتر اول (جرم و مفصل) از شش بعد به سه بعد یعنی (۱) هندسه پوشش نما، (۲) جهت نما و (۳) آشنایی با عناصر نما تغییر کرده است. پارامتر دوم (بازشوهای نما) بدون تغییر باقی ماند. پارامتر سوم (جزئیات معماری نما) به دو بعد یعنی (۱) مکانیزم جزئیات معماری و (۲) بهبود جزئیات معماری بازآرایی شد. پارامتر چهارم (مصالح نما) در موارد مشابهی که (۱) پایداری مصالح، (۲) رنگ مواد، و (۳) مصالح سقف هستند، بازآرایی شده است. آخرین پارامتر (اصول چیدمان نما) از پنج بعد به چهار بعد یعنی (۱) استحکام، (۲) یکپارچگی، (۳) منظم بودن و (۴) پیچیدگی تغییر کرده است.

#### ۸- یافته‌ها

از طریق بحث در مورد پارامترهای نظری و بحث در مورد مرتبط بودن نتایج، مجموعه‌ای از یافته‌ها استنباط شده است که موارد کیفی را به شرح زیر ارائه می‌کند:

#### -تأثیر توده و بیان

از نظر اهمیت، یافته‌های این پارامتر در شش بخش فرعی مورد بحث قرار گرفت:

- هندسه جرم: فرم هندسی ویژگی متمایز نما در تمام دوره‌های زمانی است. در بیشتر موارد، درجه تغییر این عامل سازگاری است. علیرغم تغییرات نماها در طول زمان، هندسه ساده و منظم در بیشتر موارد حفظ می‌شود. از این رو، هندسه جرم کمتر تحت تأثیر نیروهای مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند.

- پوشش ساختمان: تغییرات این عامل به دلیل سبک زندگی جدید است که در آن فعالیت‌های اجتماعی به عنوان یک شیوه سرمایه‌داری تغییر کرده است. این تغییرات بر پوشش ساختمان و نما در بخش‌های بزرگ شهر تأثیر می‌گذارد.

پس از ارزیابی موارد، دو عامل به ترتیب نزولی واریانس کل نام‌گذاری شدند: (۱) مکانیزم جزئیات معماری و (۲) افزایش جزئیات معماری.

- تحلیل عاملی در مصالح نمای بناها: نتایج تحلیل عاملی مصالح نمای بناها با استفاده از ۱۵ سوال سه عامل را نشان می‌دهد (جدول ۸). آزمون کرویت بارتلت معنی‌دار است و معیار (KMO) کفایت نمونه ۰/۶۲۵ بود که نشان می‌دهد تعداد کافی همبستگی معنادار برای تحلیل عاملی وجود ندارد. عامل اول دارای پنج گویه، عامل دوم دارای پنج گویه و عامل آخر دارای چهار گویه است. پس از ارزیابی آیت‌ها، سه عامل به ترتیب نزولی واریانس کل نام‌گذاری شدند و توضیح داده شد: (۱) پایداری مصالح، (۲) رنگ مصالح و (۳) مصالح سقف. یکی از آیت‌های مقیاس اولیه به دلیل بارگذاری زیر ۰,۳۳، از تحلیل دورتر حذف شد.

#### جدول ۸. آزمون KMO و بارتلت جزئیات مصالح نما

|         |             |
|---------|-------------|
| ۰۶۲۵    | نمونه‌گیری  |
| ۳۵۷,۰۹۹ | Approx. Chi |
| ۱۰۵     | Df          |
| ۰,۰۰۰   | Sig.        |

تحلیل عاملی در اصول چیدمان نما: آزمون کرویت بارتلت معنی‌دار است و طبق (جدول ۹) اندازه‌گیری کایزر-مایر-اولکین (KMO) نشان می‌دهد تعداد کافی همبستگی بین معنی‌دار برای تحلیل عاملی وجود دارد. عامل اول دارای پنج گویه، عامل دوم دارای سه گویه، عامل سوم دارای پنج گویه و عامل آخر دارای چهار گویه است. این چهار عامل ۳۴/۴۸ درصد از واریانس را به دست آوردند. پس از ارزیابی آیت‌ها، چهار عامل به ترتیب نزولی واریانس کل نام‌گذاری شدند.

#### جدول ۹. آزمون KMO و بارتلت اصول چیدمان نما

|         |             |
|---------|-------------|
| ۰,۶۵۳   | نمونه‌گیری  |
| ۲۳۲,۵۹۵ | Approx. Chi |
| ۱۳۶     | Df          |
| ۰,۰۰۰   | Sig.        |



چوبی و سبک‌ها، مواد و پرداخت‌های نما تصویری ایجاد می‌کند که منعکس‌کننده بسیاری از تمدن‌ها در چارچوب یکپارچه در دوره سنتی است. جالب است که ارزش‌های زیبایی‌شناختی جزئیات معماری توسط توده‌های بتنی تزئینی به‌عنوان شیوه‌ای از معماری استعماری در دوره بعد جابجا شده است. این ایده بعد ها نیز ادامه یافت. سرانجام، نوستالژی برای جزئیات سنتی در دوره مدرنیته پیشرفته پدیدار شد. شایان ذکر است، درجه تغییر طاق‌ها در همه دوره‌ها کم تا متوسط است، زیرا تأثیر مدرنیزاسیون بر طاق‌ها به دلیل ارزش‌های فرهنگی و تکنیک‌های ساخت محدود است.

#### -تأثیر مصالح معماری نما

درجه تغییر این پارامتر در دوره مدرنیته متوسط است. با توجه به نتایج، مفهوم پایداری را می‌توان در دوره سنتی مورد توجه قرار داد، زیرا ساکنان آن دوره از مصالح محلی استفاده می‌کردند. استفاده از مواد طبیعی در نماها و در نتیجه رنگ‌های طبیعی متمایز آنها این مفهوم را تقویت می‌کند. در دوره انقلاب صنعتی مواد محلی را با مواد تولید انبوه جایگزین کرد که در بیشتر موارد مربوط به فرهنگ های غربی است. از این رو، ویژگی‌های معماری نما از سبک محلی به سبک بین‌المللی تبدیل شد. مصالح معماری از طریق مولفه‌های اصلی آن یعنی پایداری، سیستم های سقف و رنگ‌ها نقش عمده‌ای در تعیین ارتقا هویت معماری ایفا می‌کنند.

#### - تأثیر اصول چیدمان نما

نتایج مقایسه‌ای بین دوره‌های تکامل خیابان ولیعصر نشان می‌دهد که عوامل متعددی بر رابطه بین عناصر و چیدمان آن در نما تأثیر گذاشت. این عوامل عبارتند از: استحکام، پیچیدگی، ریتم و مقیاس، منظم بودن و یکپارچگی می‌باشد. بنابراین، بازی متقابل بین این عوامل، ویژگی‌های مشخصه‌ای را برای هر دوره ایجاد می‌کند. با توجه به اطلاعات فوق، ویژگی‌های متمایز دوره سنتی شامل جرم جامد، سادگی، ریتم یکپارچه در مقیاس انسانی، منظم بودن و یکپارچگی بین عناصر است. این ویژگی‌های منحصر به فرد به تدریج به

• نوع نمای مفصلی: بر اساس نتایج ویژگی‌های سبکی جدید نما زمانی که تغییرات عمده در دوران مدرن رخ داد، ظاهر شد. از این حیث، تغییر در نمای ساختمان منجر به تغییر هویت معماری آن می‌شود.

• جهت توده: درجه تغییر این عامل کم است، زیرا جهت گیری نماها به سمت خط خیابان در تمام دوره‌ها مشابه بوده است. این عامل کمتر تحت تأثیر تغییر نیروها قرار می‌گیرد زیرا با طیفی از جنبه‌های مربوط به مقررات شهرداری، ملاحظات برنامه‌ریزی، طراحی شهری و عوامل اجتماعی (به عنوان مثال، احترام به حریم خصوصی همسایگان) مرتبط است.

• رابطه پایه با خط زمین (پایه): این عامل تغییرات ظاهر کلی نماها را تغییر داد و بر ارتقا هویت معماری تأثیر گذاشت. در نتیجه، ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی ساکنان نسبت به محیط شهری کاملاً تغییر کرده است.

• مکان انبوه در داخل زمین: تنوع این عامل بر ارتقا هویت معماری تأثیر می‌گذارد. از نظر قدرت توضیحی، کنار هم قرار گرفتن نمای بناها در یک خط مستقیم (در دوره سنتی) با قرار گرفتن توده‌ها در داخل قطعه زمین به یک الگوی کاملاً جدید سازمان دهی تبدیل شد. تغییر کرد.

#### - تأثیر باز شو های نما

توجه به نتایج به دست آمده، بازشوها تأثیر مستقیمی بر ارتقا هویت معماری دارند. یافته‌های مربوط به این پارامتر با یافته‌های الکادی (۲۰۰۵) در مورد تأثیر بازشوها بر دستکاری نما مطابقت دارد. الکادی استدلال کرد که بازشوها به نما متمایز می‌شوند و چیدمان آن‌ها هویت مکان را فراهم می‌کند.

#### - تأثیر جزئیات معماری نما

درجه تغییر این پارامتر در دوران سنتی و مدرن متوسط و در دوره مدرن پیشرفته کم است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مورفولوژی نشان می‌دهد که بیشتر ساختمان های سنتی از نظر جزئیات معماری غنی هستند. ارزش‌های فرهنگی این جزئیات حاوی نشانه‌های متعددی از تمدن‌های مختلف است. ماهیت زیبایی شناختی آجر و زیور آلات



- ۴- افزودن گیاهان در نما جهت پوشش دادن به عیوب غیر قابل رفع
  - ۵- تقسیم‌بندی نماها به بخش‌های کوچک و انعطاف پذیر نظیر پانل‌های متحرک
  - ۶- افزایش فعالیت در لبه‌ها با ایجاد تراس‌های بیشتر در نما
  - ۷- افزایش کاربری‌های عمومی در جداره‌های جلویی
  - ۸- ایجاد ورودی‌های شاخص و مشابه در یک جداره
  - ۹- ایجاد همخوانی لبه‌ها و جان پناه‌ها
  - ۱۰- ایجاد همخوانی بین توده‌ها
  - ۱۱- ایجاد پنجره‌های کاذب
  - ۱۲- ایجاد محدودیت در انتخاب مصالح در نمای خیابان
  - ۱۳- ایجاد محدودیت در انتخاب رنگ
  - ۱۴- ایجاد نمای گسترده متعلق به چند بنا به صورت پیشینی و جاگذاری آن‌ها بر نماهای هویت‌زدا
  - ۱۵- ایجاد نماهای نفوذپذیر و متخلخل به کمک مصالح
  - ۱۶- ایجاد فرم‌های خالص با عناصر پیچیده
- پارامترهای مستخرج با توجه به نتایجی که از تحلیل کیفی و مستندسازی با چک لیست و پرسشنامه و تحلیل کمی آن‌ها با دو تکنیک ذکر شده به دست آمده و درجه الویت آن‌ها در مدل نظری ارائه شده نشان‌دهنده میزان تاثیرگذاری آن عامل در ارتقای هویت در منظر شهری این مورد مطالعاتی می‌باشد. لذا عواملی چون هندسه‌نما، جهت‌گیری و نوع نمای مفصلی مهمترین عوامل و چیدمان عناصر و جزئیات در نما دارای کمترین اهمیت می‌باشند. نهایتاً مدل نظری پیشنهادی پژوهش به شکل زیر ارائه می‌شود:

الگوهای جدیدی از ترتیبات تبدیل شد، زیرا شهر صنعتی شدن و جهانی شدن را تجربه کرد. می‌توان نتیجه گرفت که نوع تغییر بین دوره‌ها سازگاری است. این نشان می‌دهد که تأثیر اصول چیدمان نما بر ارتقا هویت معماری محدود است.

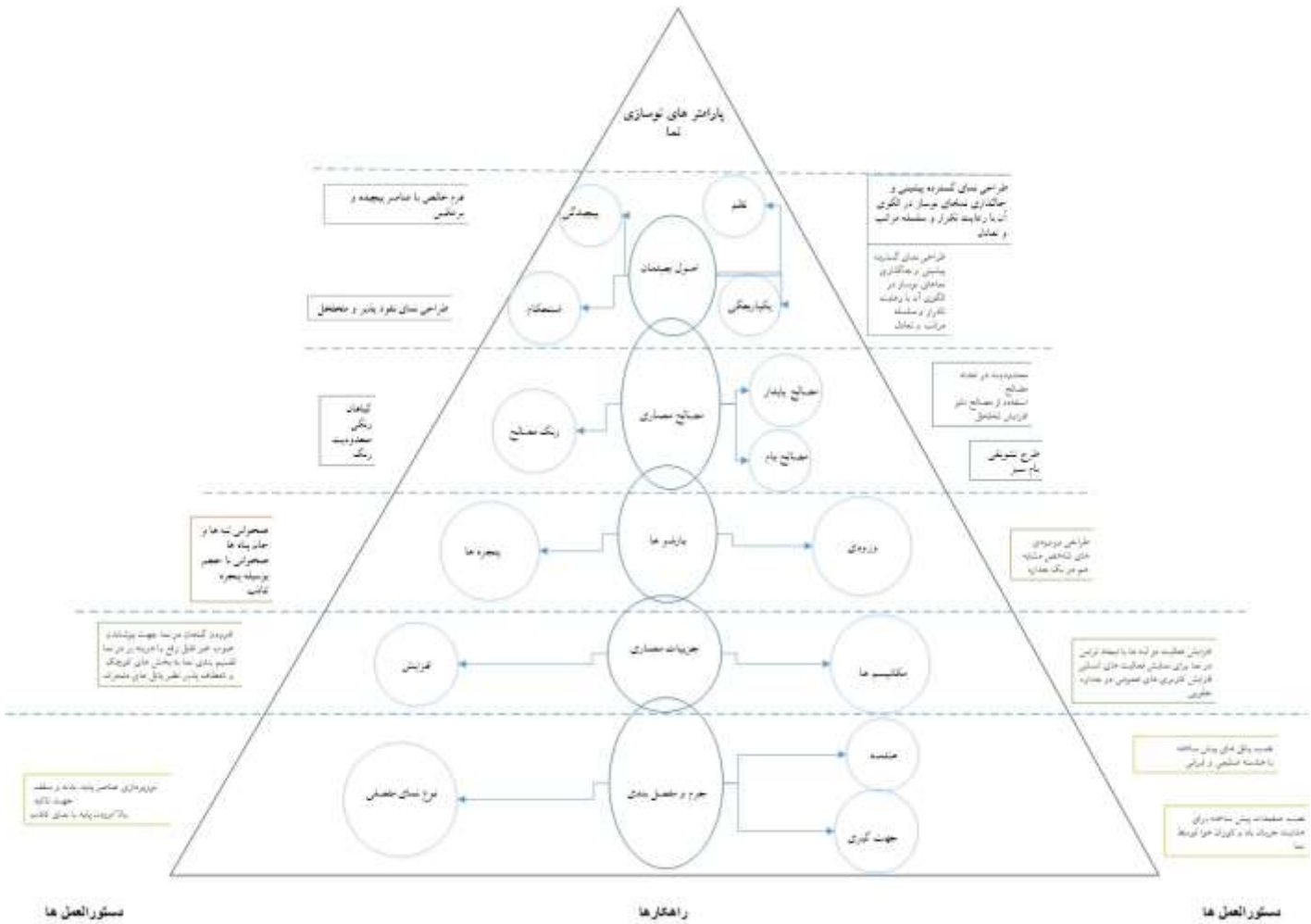
#### ۹- نتیجه‌گیری

به طور کلی، مقایسه یافته‌های کمی و کیفی، صحت یافته‌ها را تایید کرد و انسجام بیشتری را برای نتایج فراهم کرد. یافته‌های کیفی اطلاعات زمینه‌ای مهمی را در مورد دگرگونی نما در دوره‌های مختلف خیابان ولیعصر را ارائه کرد. علاوه بر این، نتایج کیفی سطح شباهت و تنوع نماها را نشان داد و میزان تغییر را برای پارامترهای اصلی مطالعه توضیح داد. در مقابل، یافته‌های کمی تأثیر عوامل نوسازی نما را بر ارتقا هویت معماری اندازه‌گیری کردند.

با توجه به اهمیت پارامترهای مورد بررسی در این تحقیق و با رعایت اولویت آن‌ها و توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان در ارائه راهکارهای مورد نظر در این زمینه در سازمان‌های ذیربط جهت طراحی نمای با هویت در منظر خیابان دست یافت. لذا با استفاده از مولفه‌های هویت‌ساز که در مدل نظری این تحقیق به آن اشاره شد راهکارهای زیر جهت هویت بخشی به نماها در منظر شهری پیشنهاد می‌شود:

- ۱- نور پردازی عناصر پایه، بدنه و سقف جهت تاکید
- ۲- بالا آوردن سطح پایه با نمای کاذب
- ۳- نصب صفحات پیش ساخته از قبل طراحی شده با نظارت یک تیم طراحی بر نماهای هویت زدا





تصویر ۶. مدل نظری پیشنهادی

## منابع

۱. ابل، کریس، ۱۳۸۷، معماری و هویت، ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
۲. جاوید صباغیان، مقداد؛ و سید احمدی زاویه، سید سعید. (۱۳۹۲). درآمدی بر مطالعات تطبیقی هنر در مقام یکی از گونه‌های مطالعاتی حوه پژوهش هنر. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۴(۱۲)، ۲۷۵.
۳. لینچ، کوین. (۱۹۶۰). سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری. عینی فر علیرضا. چاپ دوم. تهران. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۵. برادبنت، جفری. (۱۳۸۸). با برادبنت درباره معماری، ترجمه: رضوی، جورابچی، نوربخش، نشر: دانشگاه شهید بهشتی
۶. سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۶). هویت معماری، کتاب معماران ایران. جلد ۱. تهران: تیس، انجمن مفاخر معماری ایران.
۷. کالن، گوردون. (۱۳۷۷). ترجمه: طیبیان، منوچهر، نشر: دانشگاه تهران
۸. فرامپتون، کنت. (۱۳۸۵). منطقه‌گرایی انتقادی معماری مدرن و هویت فرهنگی، ترجمه: رئیسی، ایمان، نشریه معماری

United Kingdom: Pergamon.

18. Rapoport, Amos, (1982), *The Meaning of the Built Environment, A Nonverbar communication Approach*, SAGE.

19. Lynch K (1960). *The Image of the City*. Cambridge, MA: MIT Press

Norberg- Schulz, C, (1980), *Genius Loci: toward a phenomenology of architecture*, Rizzoli, New York .

20. Sekaran R, Lance. C (2003) *A Review and Synthesis of the Measurement Invariance Literature Suggestions, Practices, and Recommend dations for Organizational Research*. *Organizational Research Methods*. January 2000,3: pp 4-70.

21. Thiel P. *people, path, and purposes: notation for participatory envirotecture*. University of Washington press, 1961

22. Wells, J. C. (2009). *Attachment to the Physical Age of Urban Residential Neighborhoods:A comparative case study of historic Charleston and I'on*. Unpublished Ph.D thesis,the Graduate School of Clemson University, Clemson, South Carolina.

23. Welz, F. (2005). *Rethinking Identity: Concepts of Identity and 'the Other' in Sociological Perspective*. *The Society. An International Journal of Social Sciences*, Varanasi,U.P., India, 1, 1-25.

24. Wells, J. C. (2009). *Attachment to the Physical Age of Urban Residential Neighborhoods:A comparative case study of historic Charleston and I'on*. Unpublished Ph.D thesis,the Graduate School of Clemson University, Clemson, South Carolina.

و فرهنگ

۹. قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. چاپ چهارم، تهران: علم معمار.

۱۰. ذشولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۷). *معماری، حضور، زمان و مکان*، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، موسسه نشر معمار، چاپ اول.

11. Abel, C. (1997). *Architecture and Identity, Towards Global Eco-Culture* (1st ed.). London: Architectural Press.

12. Elkadi, H. (2005). *Identity: Glass and Meaningful Place-Making*. *Journal of Urban Technology*, 12(3), 89–106.223

13. Elkadi, H., & Küchler, S. (2008). *Diversity in the Arts: Perspectives and Challenges of the Production of Art & Architecture*. *Fondazione Eni Enrico Mattei* Retrieved 12, February, 2010, from <http://www.ebos.com.cy/susdiv/uploadfiles/SD2008-007.pdf>

14. Elsheshtawy, Y. (1997). *Urban Complexity: Toward the Measurement of the Physical Complexity of Street-Scapes*. *Journal of Architectural and Planning Research* 14(4), 301-316.

15. Correa, C. (1983). *Quest for Identity*. In R. Powell (Ed.), *Exploring Architecture in Islamic Culture , Architecture and Identity*. Singapore: Concept Media Ltd, Singapore.

16. Dul, J., & Hak., a. T. (2008). *Case Study Methodology in Business Research* (First editioned.). Oxford: Elsevier Ltd.

17. Rapoport A (1977). *Human aspects of urban form: towards a man-environment approach to urban form and design*, Oxford,





